انترناسیونال 771

**مجاهدین: آلترناتیو سیاسی یا اهرم اعمال فشار دول مرتجع**

**گفتگو با علی جوادی**

**انترناسیونال:** گردهمایی سالانه سازمان مجاهدین با حضور تعدادی از چهره‌های سیاسی از کشورهای مختلف از جمله رودی جولیانی، شهردار سابق نیویورک و مشاور دونالد ترامپ و همچنین شخصیتهای دیگری، در پاریس پایتخت فرانسه برگزار شد. نظر علی جوادی را در باره این نشست و پیامدهای سیاسی آن جویا می شویم. نشست سالانه سازمان مجاهدین پر سر و صدا، پر زرق و برق و پر جمعیت برگزار می شود. آیا همین عمل سازمان مجاهدین نشان نمی دهد این سازمان نیروی اصلی اپوزیسیون علیه جمهوری اسلامی است؟

**علی جوادی:** بهیچوجه! اجازه دهید به تك تك این صفاتی كه برشمردید بپردازم. این مراسم و مراسم های این چنینی "پرجمعیت" هستند، اما اكثریت قریب به اتفاق جمعیت حاضر در این مراسم فعالین سیاسی هیچ عرصه خاصی از مبارزات رادیكال و آزادیخواهانه در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش آزادیهای بی قید و شرط سیاسی در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش آزادی و برابری بی قید و شرط زن و مرد در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش جدایی دین از دولت، سكولاریسم و مذهب زدایی در جامعه نیستند. این جماعت فعالین جنبش خلاصی فرهنگی و خلاصی از نكبت عقب ماندگی و تحجر فرهنگی و اجتماعی در جامعه نیستند. نه! جمعیت خاموشی اند كه نظر به امكانات سازمانی و قدرت مالی این جریان که بعضا توسط دولتهای ارتجاعی منطقه ای در یك سالن گرد آورده شده اند.

این مراسم "پر زرق و برق" بود چرا كه هدف چنین مراسم و نشست سالانه ای اصولا سیاست گذاری، بحث و تبادل نظر و اتخاذ تصمیمات سیاسی نیست. قرار نیست در این نشست ها قطعنامه و قرارهای های سیاسی در زمینه چگونگی پیشبرد مبارزات گسترده و عدیده اجتماعی به رای گذاشته شود. قرار نیست در این نشست ها سمینار و كنفرانسی برگزار شود. این نشست سالانه یك فرقه مذهبی است. این نشست سالانه نیرویی از جنس كنترا است. مراسمشان هم طبیعتا شكل و شمایل اهداف فرقه ای مورد نظر این جریان را دنبال میكند. هدفشان این است که به دولتهای ارتجاعی غربی و منطقه نشان دهند که هستند و باید مورد "انتخاب" این جریانات قرار بگیرند.

این مراسم "پر سر و صدا" بود چرا كه اصولا "سر وصدا"، نه تبلیغ و ترویج، نه روشنگری و آگاهی سیاسی، نه سازماندهی، نه رهبری سیاسی اعتراض و اعتصاب تنها اهرم فعالیت این فرقه مذهبی است. سر و صدایی كه قرار است زمینه های دریافت "اعتبارنامه" سیاسی این جریان به عنوان "آلترناتیو" فردای ایران را از آمریكا و متحدین منطقه ای اش تامین كند. اما این جریان بهیچوجه شانس و امکانی برای شکل دهی به یک آلترناتیو سیاسی را ندارند. این جریان تنها یک اهرم اعمال فشار از سوی آمریکا و مرتجعین منطقه ای علیه حکومت آدمکشان اسلامی است. فراموشن نباید کرد، سگ شکاری هیچوقت صاحب شکار نیست.

برگزاری چنین مراسمهایی اصولا نشاندهنده قدرت این فرقه مذهبی بمثابه یك نیروی "اپوزیسیون" نیست. اگر بخواهیم از اجرای چنین نمایشهایی نتیجه گیری ای بكنیم شاید باید گفت كه مجاهدین راه و چاه و فوت و فن اجرای مراسمی از جنس كنسرت و رقص و آواز را خوب فرا گرفته اند. شاید بتوانند در فردا در گوشه ای شاید در خاك عربستان و ده کوره ای در عراق دفتر اجرای چنین كنسرتهایی را باز كنند. اما اطلاق "نیروی اصلی اپوزیسیون" به این جریان بیشتر یك مزاح سیاسی است. این جریان نماینده هیچ بخشی از جامعه نیست. یك نیروی اجتماعی و سیاسی نیست. یك فرقه مذهبی است كه راه و رسم تطمیع چهره های اولترا راست و مرتجع را خوب فرا گرفته است. همین!

**انترناسیونال:** سازمان مجاهدین مخالف سرسخت جمهوری اسلامی است آیا شایسته حمایت از سوی همه جریانات سرنگونی طلب نیست؟

**علی جوادی:** بهیچوجه! اجازه دهید اشاره مختصری به سابقه سیاسی این جریان بكنم، شاید بتوان معنای واقی "مخالفت" این جریان با حكومت اسلامی را بهتر درك كرد. واقعیت این است كه مجاهدین هیچگاه یك سازمان قائم به ذات و بنا به تعریف هویتی خود، ضد حكومت اسلامی و مبانی سیاسی، عقیدتی و هویتی ضد انقلاب اسلامی حاكم در ایران نبودند. در دوره های شكل گیری و قوام ارتجاع اسلامی در ایران این جریان در كنار حاكمیت اسلامی بود. خمینی "رهبرشان" بود، طالقانی "پدرشان" و بنی صدر "متحد" سیاسی شان. در زمانی با التماس و استدعا، رجوی و خیابانی، به ملاقات خمینی رفتند و آمادگی خود را برای همكاری و به بازی گرفته شدن اعلام كردند. این جریان بطور همه جانبه ای از جناح بنی صدر در راس قوه مجریه حكومت اسلامی دفاع میكرد. و زمانیكه دعوای جناحهای حكومتی منجر به حذف بنی صدر از حاكمیت اسلامی شد، این جریان هم از حواشی حاكمیت رانده و به "اپوزیسیون" سوق داده شد و به دنبال آن سیاست و تاكتیك ترور و عملیات انتحاری اسلامی را در دستور سازمانی خود قرار داد. اگر "انحصار طلبی" جریان خمینی و باندش نبود، این جریان كماكان در كنار بنی صدر و حاكمیت اسلامی قرار داشت. مخالفت خوانی امروز سازمان مجاهدین نتیجه بلافصل سیاستهایشان در قبال یك نیروی ارتجاعی و آدمكش اسلامی نیست.

اما وضعیت امروز این جریان نسبت به گذشته نه چندان دورشان كاملا متفاوت است. این جریان تنها یك نیروی سیاسی راست و مذهبی نیست. بلكه نیروی عمیقا مخرب و ضد اجتماعی است. یك نیروی سناریو سیاهی است. یك نیروی ضد آزادی و ضد برابری است. نه تنها كوچكترین حمایتی از این جریان مجاز نیست، بلكه نیرویی است كه عمیقا باید افشاء و طرد شود. یك شرط مبارزه انسانی و انقلابی علیه حكومت اسلامی، طرد این سازمان و واكسینه كردن جامعه در مقابل تحركات مخرب جریانات این چنینی است.

و باید اضافه كنم كه شاخص و معیار ما در حمایت از نیروها و فعالین سیاسی جامعه، یك شاخص سیاسی و اصولی است. ما نیروهای مخرب قوم پرست و فرقه های مذهبی جامعه را افشاء و نقد میكنیم. ما هیچگونه حمایتی از نیروهای دست راستی و ارتجاعی جنبش ناسیونالیسم پرو غربی كه بعضا بر علیه رژیم اسلامی هم مبارزه میكنند، نمیكنیم. ما نیروهای رنگارنگ جنبش ملی-اسلامی را كه خرده انتقاداتی به زیاده روی جناح حاكم اسلامی دارند، را افشاء و نقد میكنیم. شاخص ما امر آزادی و برابری و سعادت جامعه است، ما دست همه فعالین اجتماعی در عرصه های متفاوت این جنبش عظیم را میفشاریم. ما مردم را به اردوی عظیم كمونیسم كارگری، اردوی عظیم آزادی و برابری و رهایی انسان فرامیخوانیم.

**انترناسیونال:** شخصیت های سیاسی شرکت کننده در این نشست از جمله مشاور ترامپ و برخی شختصیتهای بین المللی را چگونه بررسی می کنید؟

**علی جوادی:** روشن است. این جمعی از كثیف ترین و مرتجع ترین نیروهای دول سرمایه داری غرب و متحدین عقب مانده و عشیرتی منطقه ای آن هستند. به همان اندازه جمهوری اسلامی كثیف و ضد انسانی و بعضا متحجرند. جدال و كشمكش این جریانات با جمهوری اسلامی ذره ای، هیچ ذره ای از آزادیخواهی و برابری طلبی را نمایندگی نمیكند. جدال این جریانات، جدال دو قطب تروریسم بین المللی و یكی از معضلات عظیم بشریت امروز است. جامعه بشری تنها با خلاصی از شر هر دو سوی این جدال ارتجاعی روی خوشی و سعادت را خواهد دید.

از طرف دیگر، شما نمیتوانید در كشور "خود" نماینده ضد انسانی ترین گرایشات باشید، مهره ای اساسی در جنبش نئوفاشیسم حاضر باشید، ضد زن و ضد آزادیخواهی و ضد مهاجر باشید، اما در گوشه ای دیگر به صف آزادیخواهی تعلق داشته باشید. ترامپ و جولیانی و جان بولتن همه جا ارتجاعی اند. همه جا مرتجع و ضد آزادیخواهی اند. چنین وارونگی و دو گانگی یك غیر ممكن ریاضی است. واقعی نیست. عملی نیست. به همین اعتبار اگر به دوستان و آشنایان مجاهدین نگاه كنید، به سادگی در می یابید كه تصویرشان از آینده و تغییرات احتمالی در ایران چیست؟ می بینید كه متحدین بین المللی شان چه كسانی هستند؟ می بینید كه این جریان كوچكترین ربطی به بشریت متمدن در سطح بین المللی ندارد. می بینید كه این جریان در كنار دشمنان كارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی و در كنار اردوی میلیتاریسم و قلدری و زورگویی قرار دارد. سگ شكاری بیان گویایی برای توصیف خصلت و نقش سیاسی مجاهدین در تحولات آتی است.

مجاهدین به دنبال دریافت اعتبار نامه "آلترناتیو" حكومت اسلامی از دولتهای قلدر و زورگوی سرمایه داری غرب و متحدین منطقه ای اش هستند. از این رو چنین جماعت و تركیبی را در جلسه سالانه آنها می بینیم. همانطور كه اشاره كردم، این جریان قرار نیست، اعتبار نامه خود را از رهبران جنبش كارگری، فعالین ورهبران جنبش آزادی و برابری زن و مرد، از فعالین جنبش آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، از فعالین جنبش لغو بساط اعدام و قتل عمد دولتی دریافت كند. در سناریوی این جریانات، آمریكا و متحدین منطقه ای اش و مشخصا عربستان سعودی باید اعتبار نامه "آلترناتیو" این جریان را امضاء كنند. همین و بس!

اما در همین چهارچوب هم دچار اشتباه محاسبه عظیم شده اند. نه این جریانات دارای چنین قدرتی هستند كه با امضای اعتبار نامه مجاهدین به عنوان "آلترناتیو" راه این جریان را برای قدرت گیری فراهم كنند و نه جامعه و نه ما اجازه خواهیم داد.

**انترناسیونال:** آیا پیروزی قطعی مبارزات مردم و برقراری یک جامعه آزاد و برابر و انسانی با وجود نیروهایی چون مجاهدین و احزاب دیگر که در زیر پرچم ترامپ رژه می روند ممکن است؟

**علی جوادی:** قطعا. اگر ممكن نبود، من و شما و جنبشی به عظمت اجتماع هر روزه، چه آشكار و چه پنهان، در پهنای جامعه در جریان نبود. آنچه كه بنظر من كمتر ممكن است، آنچه كمتر شانسی دارد، تكرار سناریوی خونین عراق در جامعه ایران و نقش آفرینی جریاناتی امثال مجاهدین است.

واقعیت این است كه سرنوشت آتی جامعه را تلاقی جنبشهای اجتماعی اصلی جامعه، تقابل سه جنبش اجتماعی كمونیسم كارگری، ناسیونالیسم پرو غربی و جنبش ملی – اسلامی تعیین میكند. مجاهدین جایی در این معادله تعیین سرنوشت آتی جامعه ندارند. بز گر گله ملی – اسلامی اند، اما بزی كه از خانه و كاشانه خود نیز طرد شده است.

بعلاوه جامعه تیمارستان نیست كه در پروسه سرنگونی حكومت اسلامی به نیروی اسلامی دیگری امكان قدرتنمایی دهد.. جامعه ایران را نباید دست كم گرفت. بلوغ سیاسی و درجه رشد و آگاهی جنبشهای آزادیخواهی و برابری طلبی را نباید دست كم گرفت.

من عمیقا معتقدم، و این یك باور دیرینه است، كه جامعه میتواند علیرغم نقش مخرب نیروهایی مانند مجاهدین و جریانات قوم پرست و دستجات كثیف حزب اللهی در پیشروی امر آزادی و برابری و خلاصی از كلیت نظام اسلامی به اهداف دیرینه خود كه یك جامعه آزاد و برابر و انسانی است، دست یابند.